



معالجه بوسیله موسیقی

از زمانهای پیش دانشمندان بزرگ همراهی بوده اند که صدای موزون در روان و کالبد انسان مؤثر است.

نظریه جدید راجع بامواج که لا کووسکی (Lakowski) بطرز دقیق تحت مطالعه قرار داده و شخصاً در آزمایشهای خود بکار برده است، علم جدیدی بوجود آورده که هنوز در مرحله طفولیت میباشد و بی شک همان علم پیشینیان است که با انواع گوناگون مخصوصاً در معالجه استعمال میشده ولی امروزه فراموش گردیده است.

بزرگترین پزشکیهای زمان باستان توافق وزن را در بدن انسان عامل تندرستی دانسته اند، زمانیکه تعادل آن مختل شود بیماری ظاهر میگردد. از اینقرار تناسب نزدیکی بین بدن و روح با هارمونی موسیقی موجود است و تدابیری که برای این منظور میتوان از موسیقی استخراج کرد اهمیت بسزائی دارد.

آیا موسیقی چگونه میتواند در ما تأثیر بنماید؟ امروزه معتقدند که ارتعاشات موزون روی اعصاب شنوایی تأثیر، و این تأثیر بوسیله اعصاب بتمام بدن انتقال داده میشود. این تأثیر جسمانی فوراً یا پس از مدتی تولید عکس العمل در روحیه مینماید.

آسایش جسمانی آسایش احساساتی بوجود میآورد و یکنوع توافق جریان مناسب در شخصیت انسان تولید مینماید .



ازین مقدمه چنین استنباط میشود: بیماری هائی که موسیقی در بهبودی آنها مؤثر و یا بکلی معالجه مینماید امراض عصبی میباشد . از ناخوشیهای که بوسیله موسیقی معالجه و یارو به بهبودی رفته اند شواهد بسیار در دست میباشد . آتنه Athénée - ثوفراست Théophraste - اولوژل Aulugelle برای معالجه عرق النساء وقرس اصوات موزون بکار برده اند (Aurélianus) اورلیانوس حکایت از نی زنی میآورد که بوسیله نواختن نی عضو ناخوش خود را معالجه کرده است . در حقیقت وزن نیز در معالجه امراض اهمیت بسزائی دارد . بچه هائی که گریه مینمایند بصدای پیانو و یا لالائی که مادرشان میخواند تسکین می یابند . ضربه های موزون ملایمی که به قنطاق آنها میزنند همین تأثیر را دارد .

جوانی که مبتلا به صداع میشود بوسیله نواختن تنبور تسکین می یابد ، در صورتیکه

در حالت سلامتی از داد و جنجال متنفر بوده است .
مطالعات فرهنگی



پیشینیان از تأثیر مفید موسیقی در هضم غذا بی اطلاع نبوده اند، بهمین مناسبت در هنگام صرف غذا و بعد از آن ، چنانکه امروزه نیز معمول است ، در قدیم نیز موسیقی می نواخته اند . دکتر ورون Véron که ریاست ایرا را عهده دار بوده است در همه نمایشها حاضر میشده و میگفته است : « نه تنها برای انجام وظیفه اینکار را می کنم بلکه برای هضم کامل غذایم میباشد . »

در دوره ها که همه چیز بر اساس آزمایش قرار گرفته ، جزو یادداشتهای

آکادمی علوم پاریس اسنادی از معالجات معجز آسا در دست می باشد که بچند فقره آنها ذیلا اشاره می شود:

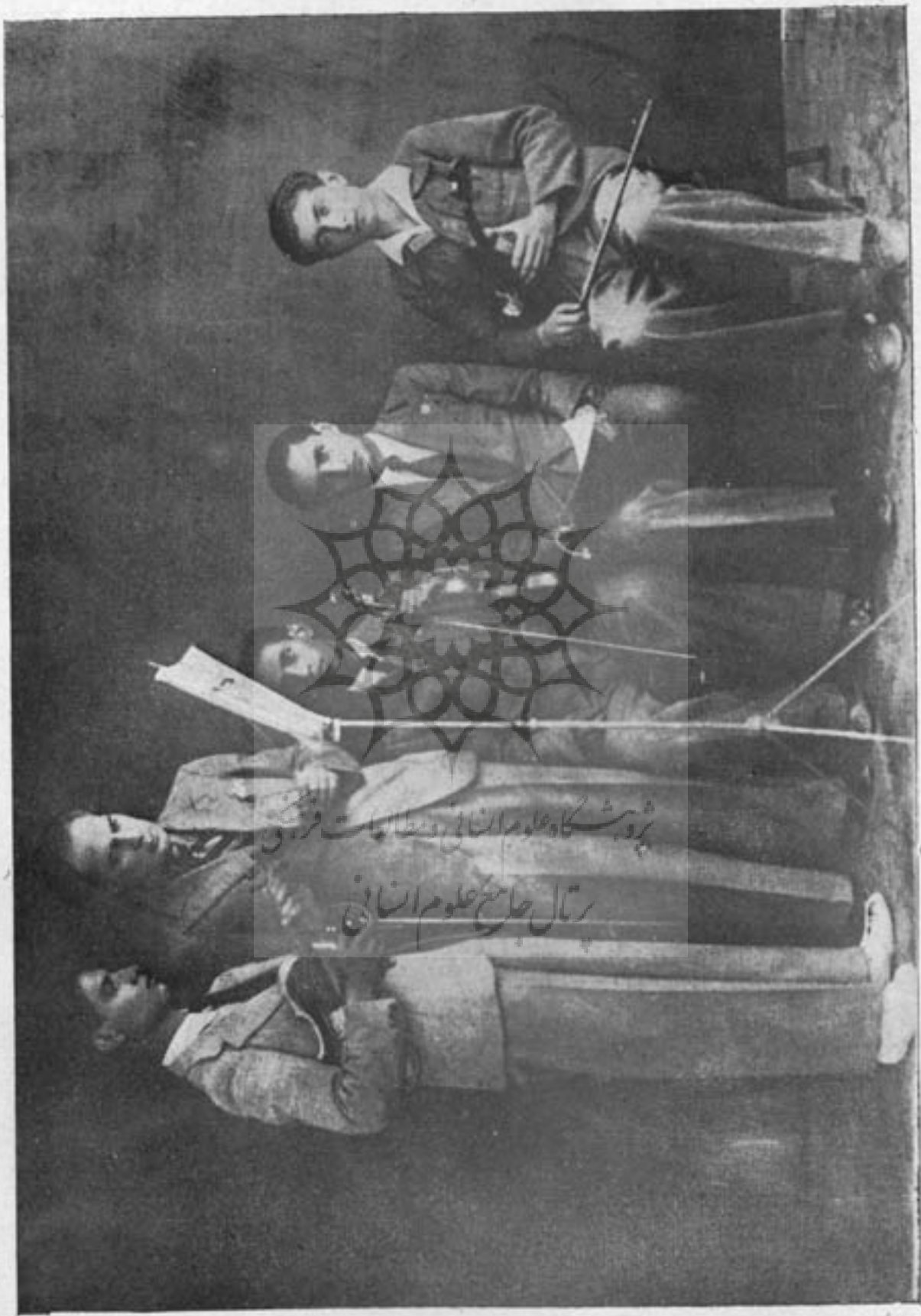
« یکی از موسیقی دان های بزرگ مبتلا به تب شدیدی شد که منجر به بیخوابی و تقلای دائمی گردید. روز سوم خود ناخوش تقاضا کرد که در اطاق او کنسرت بنوازند. بمحض شروع در قیافه او حالت تسکین هویدا و در تمام مدت کنسرت آرام گرفت؛ و در مدت ده روز بوسیله این معالجه عجیب بکلی ناخوشی او برطرف گردید. »

« ناخوش دیگری دزائر سگته ناقص بستری شد و تب او بهیچ وسیله ای قطع نمیشد برای او اول کنترباس بعد قره نی با کنترباس نواختند پس از یکماه ناخوشی او بکلی معالجه گردید. »



چنانکه ملاحظه می شود موسیقی مخصوصاً در ناخوشی های عصبی مانند: مالدهولیا، صرع و حالات مختلف عصبانی نتایج فوق العاده مؤثر می بخشد. اشخاص عصبانی در موقع گوش دادن به موسیقی آرامش مخصوصی سر تا پای آنها را فرا میگیرد و در طی معالجه یکنوع جریان گوارا و ملایمی در بدن آنها برقرار میشود.

لکن بعقیده دکتر ورنی Vergnes وزن موسیقی میتواند در حرکات سلول تأثیر بکند و در نتیجه در امراض مانند: نقرس و درد مفاصل نیز مؤثر واقع شود. موسیقی ممکن است در دوران خون و در قلب نیز تأثیر بکند. گرتری Grétry باین مطلب پی برده و گفته است: « من سه انگشت دست راستم را روی شریان بازوی چپم میگذارم و با خودم يك آواز موزون طبق جریان خونم میخوانم. بعد شروع بخواندن آوازی با وزن دیگری میکنم، درین وقت بطور دقیق حس میکنم که حرکت آن تند و یا کند میشود



کلاس ویلن آقای خوتسیف (نقر دوم از چپ) هنرآموز هنرستان عالی موسیقی
در حالیکه هنرآموز بعد از هنرجویان تعلیم میدهد



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تا با وزن موسیقی جدید اخت گیرد . »

Berlioz برلیوز (موسیقی دان مشهور فرانسوی) از شنیدن موسیقی بگریه میافتاده است ، زیرا حس میکرده که ورید های او بشدت می تپیده و یکنوع انقباض تشنج آمیزی باو دست میداده است .

از اینقرار موسیقی تأثیر مسلمی روی نیروی انسانی دارد ، ولی باید آنرا با احتیاط بکار برد و گرنه ممکن است تأثیر مخالف و غیر مطلوب بدهد . انتخاب قطعات موسیقی ، موارد استعمال و تشخیص مرض و اسبابهای موسیقی که باید بکار برده شوند در معالجه دخیل میباشند . قاعده کلی آنست که باید موسیقی مخالف مرض را برای بیمار نواخت ، مثلا برای تسکین اشخاص بلغمی (لمفاتیکی) باید موسیقی قوی زد برای صفراوی آهنگ های سبک کوتاه و شادی آور نواخت و غیره .



اینک آلات موسیقی و تأثیر هر یک از آنها بطوریکه دکتر گوردن آروستا (Gordon y Arosta) ذکر نموده ذیلا درج میشود : انسانی

ویلون برای اشخاص و سواسی و مالیخولیائی مناسب است .
کنترباس در سستی اعصاب تأثیر میکند .

چنگ برای مرض حمله و فی برای بوالهوسی و درجه اول سل مناسب

می باشد .

هوبوا - در عین حال تقویت مینماید و عضو ناخوش را تسکین میدهد .

قره فی - در ناخوشیهای عصبی مؤثر است .

کرا انگلیسی - خشم را فرو مینشانند .

ترومپ - (نوعی شیپور) در سرسام تأثیر دارد.

کورنه - تنبلی و کرختی را برطرف میسازد.

تنبور - در اختلال اعصاب بکار میرود.

پیرکیرشر Kircher در رساله که راجع بموسیقی تألیف کرده علاوه بر تأثیر

صدا اهمیت تزئین اطاق ناخوش و رنگها و بوها را نیز متذکر میشود. طبیعی است که

همه این عوامل به قوت و تأثیر معالجه بوسیله موسیقی میافزاید.

اقتباس از مقاله دکرمیه - Descormier

